

به نام خداوند زادمهر

...تو «ایرانی»... همانی که «همان» بود.

دژد سُروده‌ها و درد مندا نه‌هایی از دل هزار سالِ درد مند ایرانِ بزرگ همیشه پارسی،
برآمده از «نای دل» سرتاسر درد و درد مند زادمهر پارسی (حسن توکلی رودسری)
سرتاسر این دیوان از سُروده‌هایم - مانند همه نوشته‌ها و
سُروده‌ها و گفته‌هایم - از گهر واژه‌گان ارزشمند پارسی
لبریزند.

توگلی رودسری، حسن، ۱۳۴۸-

دژدسروده‌ها و دردمندانه‌هایی از دل هزار سال دردمند ایران بزرگ همیشه پارسی،
برآمده از «نای دل» سرتاسر درد و دردمند زادمهر پارسی (حسن توگلی رودسری)
تهران: هورمزد، ۱۴۰۰ / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۵۱-۷۲-۲

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ / Persian poetry - 20th century

رده‌بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲

رده‌بندی کنگره: PIR۷۹۹۴

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۲۲۵۱۷

www.ketab.ir

شناسنامه

... تو «ایرانی»... همانی که «همان» بود
دژدسروده‌ها و دردمندانه‌هایی از دل هزار سال دردمند ایران بزرگ همیشه پارسی برآمده
از «نای دل» سرتاسر درد و دردمند زادمهر پارسی (حسن توگلی رودسری)
ناشر: هورمزد، نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۵۱-۷۲-۲
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

طراحی جلد و طراحی داخلی: آتلیه طراحی نشر هورمزد
آدرس: میدان انقلاب، خ جمالزاده جنوبی، پ ۷۸، واحد ۱۹
تلفن: ۶۶۱۲۵۱۲۶

چند یادآوری:

خواننده گان بسیار ارجمند و با فرهنگ این نَشک، پیش از خوانش آن به این چند یادآوری روی کنند:

۱- بهره گیری از «گهرواژه گان همیشه ارزشمند و آسمانی پارسی»:

چنانکه خواننده گان با فرهنگ نوشته ها و اندیشه های من دریافته اند، این بنده همیشه تلاش افزون داشته و دارم که از گهرواژه گان ارزشمند پارسی، بهره گیری کرده و برابرهایی ارزشمند واژه گان پارسی را با واژه های نارسای بیگانه ای که در زبان ارزشمند ما رخنه کرده اند، به همگان بیاگاهانم. بدین سخن، درهرنَشک و نوشته ای، نگاشته هایم از «گهرواژه گان ارزشمند و آسمانی پارسی»، لبریزند. برابرهایی گهرواژه گان ارزشمند پارسی را با واژه های نارسای بیگانه در نمایه ای در پایان این نَشک می خوانید.

۲- فرهنگ درستنویسی در نگارش ارزشمند پارسی:

نگارنده، هماره برآن بوده و هست (... و خواهد بود) تا آنچه را که به «نادرست» در «درستنویسی» دبیره ارزشمند پارسی

جا انداخته اند) ... و بسیاری همچنان بی هوا چنین می نگارند) پالایش و فرهنگسازی نماید، آنچه که به «نادرست نویسی» در زبان و نگارشِ ارزنده پارسى، جاگیرى شده، به آگاهی همگان برساند و از نمونه های آن: اینکه بدانیم واژه زنده گى را به همان گونه زنده گى «مى باید» نگاشت، و نه زندگى. از آن رو که چنانکه در دستور زبان گفتارى و پردازشِ آوایی زبان در دانش زبانشناسى مى دانیم، واژه ها مى باید به «همان گونه» که از زبان مى جهند و بیرون مى آیند (؛ آنگاه های زبانی یا همان که در تازی (عربى) بدان مخارج حروف گفته اند) نگاشته شوند و بر این سخن؛ گهزواژه گانِ ارزشمندِ پارسى همچون: پاینده گى و زاینده گى و خواننده گى و دانش آموزى و دین باورى و... مى باید به «همین گونه» نگاشته شوند نه به گونه پایندگى و زاینده گى و دانش آموزى و دین باورى و...

... ریشه اینکه چرا گهزواژه گانِ ارزشمندِ زبانِ پارسى از سوى برخى یا گروه هاى ناآگاه چنان «نادرست» نگاشته مى شوند که با زبان و واژه گانِ رسانایِ پارسى همخوانى ندارند، به «ناهمگونى» و «ناهماوایی» و به ویژه، «بیگانه

بودن» دبیره (خط) کنونی پارسی - که پس از آمدن تازیان (اعراب) به ایران، دبیره کشوری (خط رسمی) این سرزمین شد - با زبان پارسی برمی گردد، و از آنرو که اندیشه های پارسی از پس هزار و اندی سال با این دبیره (خط) نگاشته می شود، روشن است که هرگز نمی توان دبیره دیگری را جایگزین چنین دبیره ای نمود و آنچه که امروز می باید در این زمینه کار شود، کارآمد کردن «فرهنگی درستنویسی» در زبان پارسی است. گروهی چنین اندیشه ای را برنمی تابند و می گویند به همان گونه می باید نگاشت که از پس هزار و اندی سال به ما رسیده و در کهن دبیره ها (نسخه های خطی) و دستنوشته های برجای مانده از پارسی هزار و اندی سال پیش دیده می شود. پاسخ، این است که بسی نادرستیها و ندانمکاریها در شیوه نگارش و گویشوری زبان پارسی از روزگاران کهن از اندیشه ورزان و دانشوران برجای مانده (.... و همین، گواهی آشکار در «ناکارآمدی» دبیره ایست که از پس تازیان به ایران آمد) و امروز دیگر از چنان شیوه هایی بکارگیری نمی شود. و مگر نشانه های آوایی نوشتاری ایی که امروز برای دریافت بهتر و رسانایی بیشتر واژه ها در پس و پیش واژه گان پارسی

نمایانده می شوند، و این خود، نشاندهنده ناکارآمد بودن و نادرستی دبیره کنونی پارسی است که با نشانه گذاری بر آنها می باید درست خوانده شوند، در هزار و اندی سال پیش بودند؟ در این راستا برخی از خواننده گان گرمی به نویسنده «خُرده» گرفته اند، و بر درستی دیدگاههای خود نمونه هایی از واژه گان پارسی یاد کرده اند که به باور اینان می باید به همان گونه نوشت که هم اینک - به «نادرست» فرهنگ نوشتاری ایرانیان شده است و از نمونه های آن، گونه نوشتاری واژه زنده گی را گواه درستی سخن خود آورده اند و اینک، چون این واژه در زبان پارسی پهلوی (پارسی میانه) در ساختار واژه گانی زندگ بوده، پس از آمدن تازیان از آنرو که در گویش تازی واج گ نبوده، واج (حرف) گ به گونه ه درآمده و زندگ در ساختار زنده پدیدار شده (... همانگونه که زیگ پارسی پهلوی (به چم (به معنی) چهارخانه های (جدولهای) اخترشناسی) به گونه زیه و سپس زیج تازی درآمد) و واژه زنده به همان گونه زنده نگاشته می شد و واژه زنده گی با بُرش واج به گونه زندگی نگاشته شد. از دیدگاه این گروه در کاربرد واژه گانی از این دست، همچون: بیگانگی و مردانگی و پابندگی و

جاودانگی و... (- که «می باید» به گونه بیگانه گی و مردانه گی و پاینده گی و جاودانه گی نگاشته شوند ،) هرگز واج «ه» به زبان نمی آید ، و چون چنین است ، به باور ایشان می باید چنین واژه گانی را بدون ه با نشانه زیر (:کسره) بر واج ن خواند و بدینگونه نگاشت . چنانکه زنده گی را به گونه زندگی و بیگانه گی را به گونه بیگانگی و...

... در پاسخ باید گفت که مگر نه این است که واژه ای همچون زنده گی در گونه گویشوری خود به گونه زنده گی کاربرد دارد و از چنین ساختاری برآمده است ؟ : زنده + گی ، و مگر نه این است که ما در کاربرد واژه گانی همچون : دوباره ، هرگز واج ه را به زبان نمی آوریم و این واژه را در ساختار کاربردی دوباره به زبان می آوریم ؟ ، پس ؛ چگونه است که به گونه دوباره می نگاریم ؟ چنین است که واژه ای همچون : زنده گی به شیوه ساختاری زنده گی (- بدون نشانه ایستا : سکون) بر دال) به زبان می آید ، و هم از آن رو که برآمده از زنده + گی است ، «می باید» به همین گونه زنده گی نگاشته شود و اگر چنین نیست ، پس نگارش واژه ای همچون دوباره نادرست است و به همان گونه که به

زبان می آید، می باید به گونه دوبار نگاشته شود.

... بررسی و بازبینی آئین نگارش دبیره (:خط) پارسی و تازی کار تازه ای نیست. چنانکه اندیشمندان پارسی از هزار سال پیش در این باره، نوشته ها پرداخته و دانشنامه ها نوشته اند و استاد «حمزه اصفهانی» (درگذشته میان سالهای ۳۵۰ تا ۳۶۵ پیغمبری (:هجری قمری)) در نسک (:کتاب) «التنبیه علی حدوث التصحیف» در این باره بسیار گفته است.

... آری؛ چنین است که همچنانکه گفتیم، چنانکه در دستور زبان گفتاری و پردازش آوایی زبان در دانش زبانشناسی می دانیم، واژه ها می باید به همان گونه که از زبان می جهند و بیرون می آیند، نگاشته شوند و بر این سخن؛ گهرواژه گان ارزشمند پارسی همچون: پاینده گی و زاینده گی و خواننده گی و دانش آموزی و دین باوری و ... می باید به همین گونه نگاشته شوند نه به گونه پایندگی و زاینده گی و دانش آموزی و دین باوری و ...

...از گواهان آشکار در بیگانه بودن دبیره (:خط) کنونی ایرانی با زبان گفتار پارسی، این است که آئین نگارش آن

با این زبان، همخوانی ندارد و از نمونه های آشکار آن، اینکه ما در گویشِ گفتاری خود خاهر می گوئیم و خواهر می نویسیم! و این به سرگذشتِ گفتاریِ زبانِ گفتاری (تاریخِ گفتاریِ زبانِ گفتار یا تغییر و تحوّلِ واژه گان از دیدگاه ساختاری) (صرفی)) برمی گردد که روزگاری این واژه به گونه خواهر خوانده می شده، و در گذشتِ روزگار با پی در پی به زبان آوردنِ آن اندک اندک در ساختارِ کاربردیِ خاهر درآمده، و برآستی آیا کودک از آموزگار یا پدر و مادر خود بی‌رسد که چگونه است که خاهر به گونه خواهر نوشته می شود؟، در پاسخ او مگر می شود از سرگذشتِ گفتاریِ زبانِ گفتار گفت؟! او چیزی در این باره دستگیرش نمی شود. او تنها «باید بداند» که خاهر به گونه خواهر نوشته می شود و خار به گونه خوار و... و چراییِ اینها بماند...! او نباید کاری به «چراها»ی اینگونه نوشته ها داشته باشد!!... چون «دستورِ زور» چنین است که دانش آموز چنان کند!

... گذشته از این همه ناکارآمدیها و نادرستیهای بی شماری که در نگارشِ دبیره کنونیِ پارسی، از پسِ هزار و اندی

سال دیده می شود، «بدتر» از همه، نگارش واژه هایست همچون: «خانه من» که وابسته به یکدیگرند، روشن است که در چنین گفتاری، دو واژه به هم وابسته اند، و نمی توان یکی را جدای آن دیگری به شمار آورد. سخن، روی نشانه آوایی (اعراب) «ه» است و اینکه واج «ه» به گاه به زبان آوردن واژه گانی چون: «خانه من»، باید دارای چه نشانه ای باشد که بدان چنین واژه گانی خوانده شوند؟ گروهی گفته اند که می باید بر واج «ه» نشانه «ء» گذاشته شود که به تازی و همزه اش می گویند و بدینگونه این دو واژه چنین نگاشته شوند: «خانهء من» و به گونه «خانِ ی من» خوانده شوند. (- روشن است که بدینگونه هم نشانه «همزه» و هم واج «ه» به زبان نمی آیند.) برخی دیگر براین باورند که می باید پس از واژه خانه در پیوستگی به واژه من، واج «ی» افزوده شود و چنین نگاشته و خوانده شود: «خانه ی من» (:بی آنکه واج «ه» به زبان آورده شود: خانِ ی من). روشن است که دیدگاه هیچ یک از این دو گروه از دیدگاه زبانشناسی و بافت پردازش آوایی زبان و آئین نگارش و دستورِ درستی نیست و واژه گانی اینچنین که وابسته به هَمند، می باید با نشانِ «زیر» (:کسره) روی

واج «ه» بدینگونه نوشته و خوانده شوند: «خانه من»، نه «ه» در یک ساختار ساختگی و «من درآوردی» - که به دستور پردازش و بافت زبان آسیب می زند - با «ی» خوانده شود، و خانه به گونه «خان ی» من درآوردی خوانده شود.

... در این باره بهتر است بدانیم که بر پایه بررسیها و پژوهشهای دانشمندان دانش زبانشناسی، بهترین و درستترین (کاملترین) و کارشناسی ترین (علمی ترین) و کارآمدترین و رساترین واجبندی (حروف الفبا) و دبیره (خَط) جهان، دبیره اوستایی است که بدان «دین دبیری» یا «دین دبیره» (... در دانشنامه ها و نوشته های روزگاران اسلامی، دین دبیره) گفته اند و در روزگار شاپور دوم ساسانی که از سال ۳۱۰ تا ۳۷۹ ترسایی (نیمه نخست سده چهارم ترسایی (میلادی)) پادشاه ایران بوده است، از موبد پارسی اندیشمند و دانشمندی به نام « آذربُد مَهزاسپند (آذربُد مَهزاسپندان) » پدید آمده، و چرایی (دلیل) پدیداری آن، نادرستی و ناکارآمدی دبیره پهلوی بوده است که از آن رو که از هژوارشهای نارسای بیگانه آرامی، برخوردار بوده است، خوانش اوستا را دشوار

می نمود و چنین شد که دبیره (خط) اوستایی برای درست خواندن اوستا پدید آمد. این دبیره دارای کارشناسی ترین (علمی ترین) دستور و بافت دانش زبانشناسی است که در هیچ دبیره ای دیده نمی شود. استاد آذر بدمهر اسپند، دبیره اوستایی را از روی دبیره آرامی با ۴۳ نشانه پدید آورد و بازمانده بخشهای نَسْکِ (کتاب) اوستا را با چنین دبیره ای نگاشتند.

زبان پارسی از بهترین و درستترین (کاملترین) و دستورمندترین (فاعله مندترین) و کارشناسی ترین (علمی ترین) ساخت و بافت و پردازش دانش زبانشناسی به ویژه در برابر سازی (معادلسازی) واژه گان با واژه های بیگانه و ساخت و پردازش واژه ها و واژه سازی و زایش واژه گان نو برخوردار بوده و هست. هیچ خردمند دانشوری - به ویژه در دانش زبانشناسی - به درستی و دستورمندی (باقاعده بودن و قانونمند بودن) این زبان بدگمان نیست. زبان پارسی یکی از بهترین و بویاترین و تواناترین و توانمندترین (قوی ترین) و رساترین و کارشناسانه ترین (علمی ترین) و ارزشمندترین زبانهای جهان است که

از ساختار زبانشناسی توانمند و پویایی برخوردار است و چنین است که از پس چندین هزار سال - و به ویژه پس از سردرآوردن تازیان (اعراب) در ایران - همچنان بیش از پیش توانمند (قدرتمند) و پویا به دست ما رسیده و ارزنده ترین و بالاترین اندیشه های مردم روزگار - به ویژه در روزگار اسلامی در ایران و دیگر کشورهای مسلمان خیز - به همین زبان نگاشته شده و به زبانی بهتر، زبانی ایرانی و اسلامیست. سخن، روی نادرستی دبیره ایست که پس از آمدن تازیان در ایران، نوشتار کشوری (خط رسمی) ایرانیان شد، و چون با زبان پارسی، هماوایی و همنوایی و همگونی و همخوانی داشت، نگارش واژه گان پارسی را دچار «نادرستیهای» نمود.

... درد این است که دریغ نیست گهرواژه گان زبانی چنین ارزشمند و پویا و توانمند، اینچنین نادرست نگاشته شوند؟

... چکیده سخن، اینکه خطِ امروزیِ ایرانیِ پارسی که پس از اعراب و از پس هزار و اندی سال در ایران به جای خطِ پهلوی (پارسی میانه یا پارسی ساسانی)

جاسازی شد، هرگز با زبان پارسی، پیوند و همخوانی نداشته و خطی بیگانه و ناکارآمد است و به هیچ روی از بنیادهای (اصول) کارشناسانه دانشیک (علمی) در دانش آواشناسی (فونتیک) و زبانشناسی و واجشناسی (فونولوژی) پیروی نمی کند و چنین است که از ایرادات بی شماری برخوردار است. از سوی دیگر، از آنرو که اندیشه های والای بی همتای ارزشمند و نغز و آسمانی و شیرین ایرانی اندیشمند و فرهیخته پارسی از پس هزار و اندی سال بدین خط نگاشته شده و پارسیان خردمند و خردورز ارجمند اندیشمند و هنرور و هنرپرور ایرانی، زیبایی این خط را به اوج (کمال) رسانده و در زیبایی آن کوشا بوده اند، روشن است که همچنانکه پیش از این گفتیم، نمی توان خط دیگری را جایگزین چنین خطی نمود. آنچه که امروز در این راستا «می باید» انجام شود، کارآمد کردن «فرهنگ دستنویسی» و «ویرایش» آئین نگارش امروزی پارسی است که از پس هزار و اندی سال بدینگونه «نارسا» و «نادرست» به دست ما رسانده اند.